



سرورم دلیلی هست که شما امروز انقدر
با من مهربون شدید؟



تو..تو باید از
من متنفر باشی!





کاری از تیم ترجمه ساکورا

dorsa_dym: مترجم

Irin: کلینر

Irin: تایپیست

منظورت چیه؟

خب...

.....

میخواستم بخاطر اینکه بدون
دوستن شرایط اونطوری مجبور
کردم برقصی معذرت خواهی کنم
لازم نیست نگران باشی

اوه...متوجهم

گرسنه؟

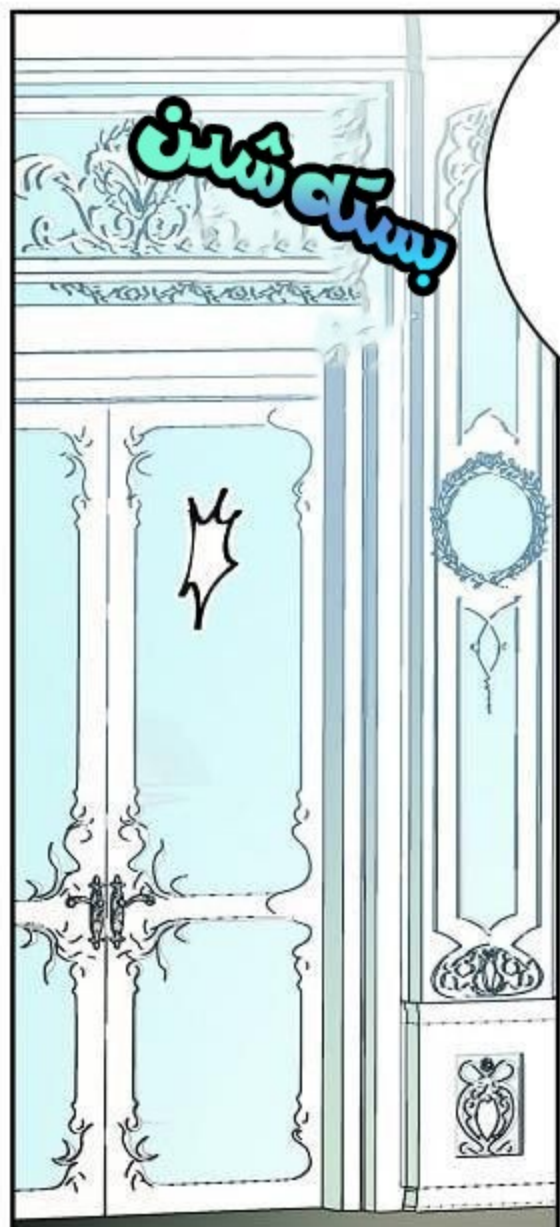
به یکی سپردم کیک توت
فرنگی بیاره





ممنونم، سرورم





بسته شدن

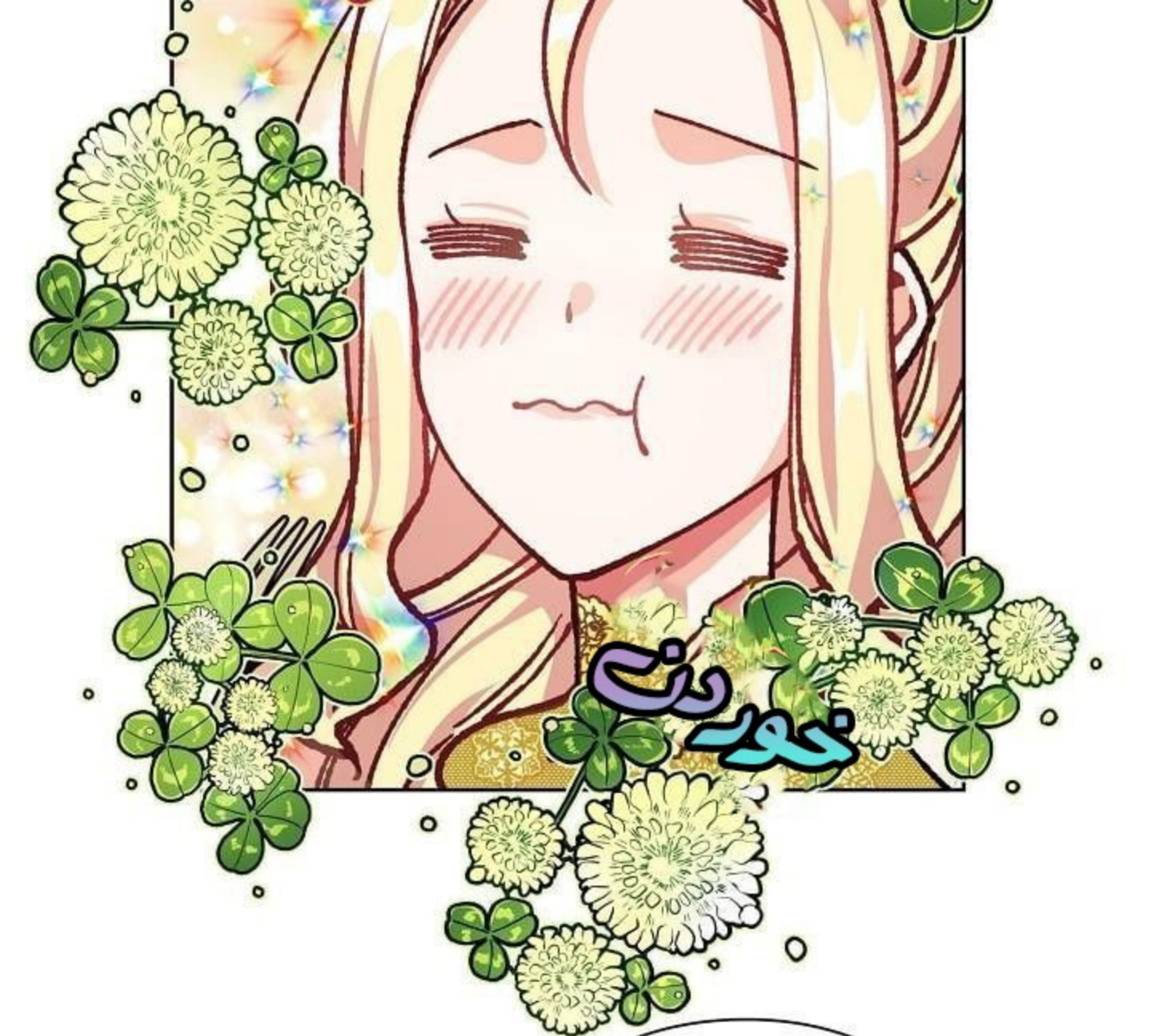
تو زندگی قبلیم، بیشتر
وقت ها مریض بودم ولی
هیچ وقت قبلا این کلمات رو از
پرنس نشنیده بودم

نگار



خب من هیچوقت قبلا
کلمات محبت امیزی ارزش
نشنیده بودم







ظاهرا اشپز قبلا برای نونوایی
بیا تو خیابان پایک کار میکرد

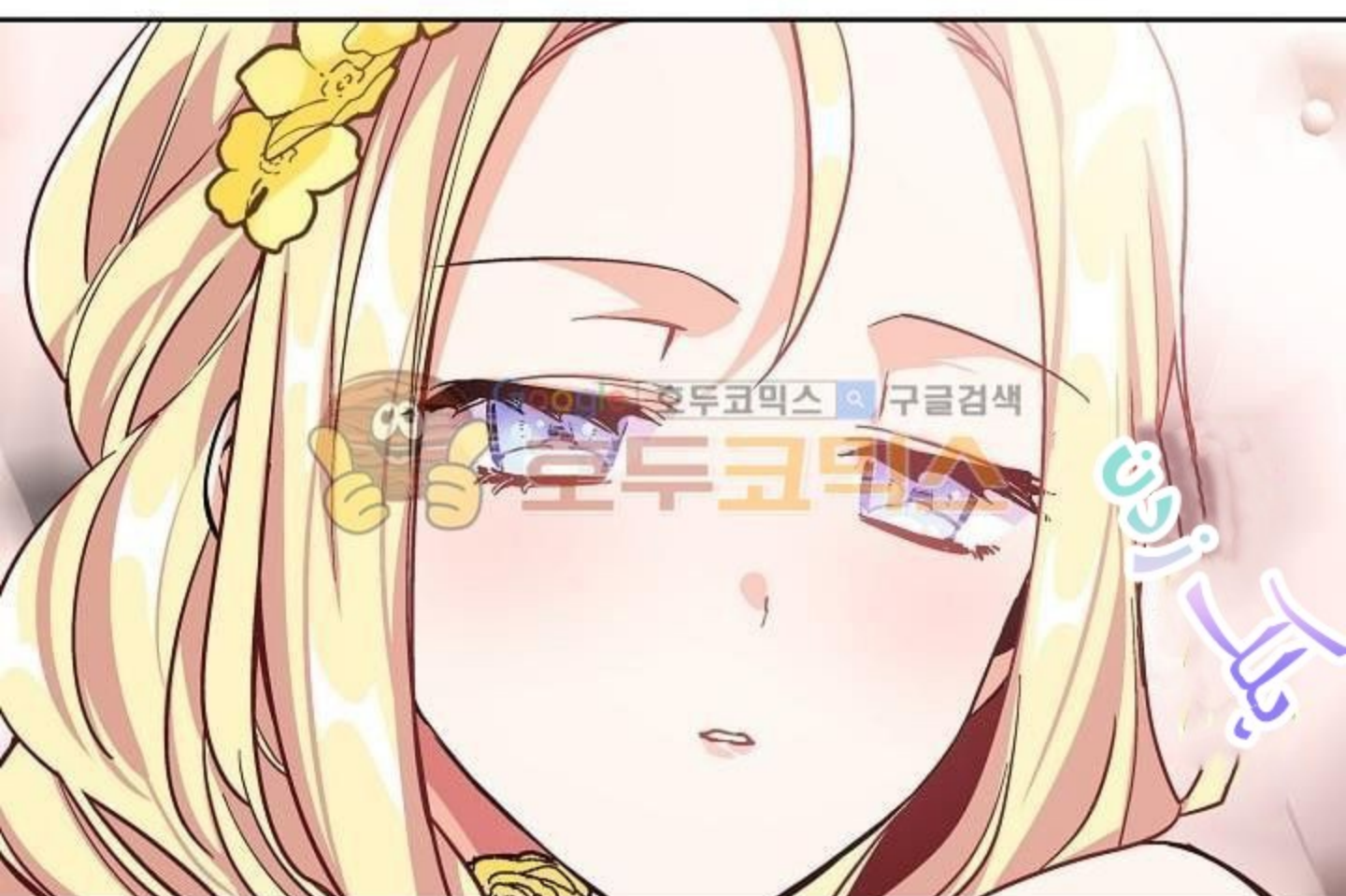


حدس میزدم که مزشون یکیه
پس واقعا اشپز نونوایی
بیا درستش کرده

چه حیف... حالا فقط خانواده سلطنتی
میتونن کیکاشو مزه کنن فکر کنم یکی از
اعضای خانواده ی سلطنت کیکش رو چشیده
واز مزش خوش اومده

کی میتونه
باشه؟





اوه.. ممنونم

این فانوم کیه؟
بنظر اشنا میار باید یکی از اعضای
سلطنت یا از اشناهاشون باشه...

اوه! خودشه!

یکی از اشناهای فانواده سلطنتیه
این فانوم از افراد نبیب و معروف
از غرب و در شهر ولز هست

خوش بختم دوشس هارور
من الیزه از خانواده رولند هستم

لطفا بی ادبی من
روبخشید



ساکورا

اه تو از خانواده رولندی



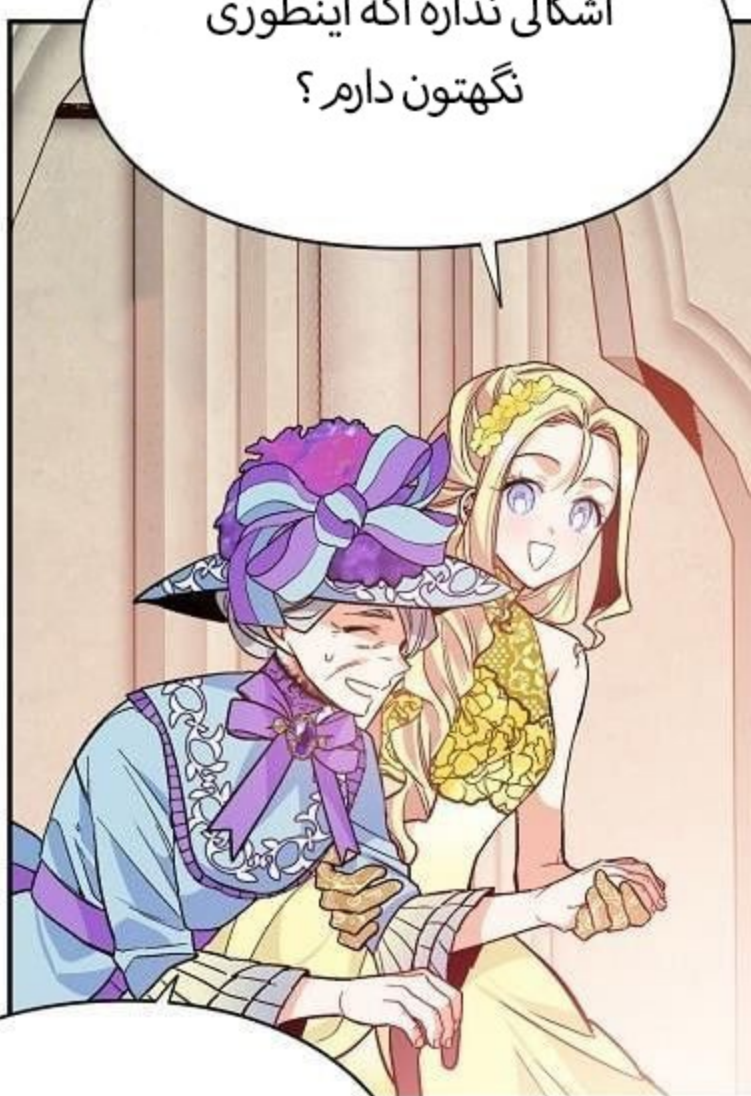
مشکلی نیست حالت خوب بنظر نمیاد
پس زیاد به خومدت فشار نیار

ببخشید ولی میشه
بهم کمک کنید بلند شم؟

اه، البته



اشکالی نداره اگه اینطوری
نگهتون دارم؟



اره ممنون،
میدونی یکم پاهام میلرزه



ناتوانی ناگهانی در حرکت
و مدل راه رفتنش...

دوشس هارور قطعاً پارکینسون داره

با پارکینسون، سلول های عصبی
به تدریج تجزیه میشن که
منجر به از دست دادن حرکت میشن

در زندگی گذشته ام،
به دلیل بیماری، نمیتونست که
غذا رو قورت بده پس
به همین دلیل خفه شد

حتی تو زمین این بیماری ای بود که
درمان نداشت و فقط میشد به تعویق
بندازیمش و روند پیشرفت بیماری رو کندتر کنیم



در مورد فکلی، اقامات لازم بار در عرض ۱
تا ۲ دقیقه انجام بشه پس من نمیتونم کمکی
کنم مگر اینکه وقتی این اتفاق بیافته
پیشش باشم



امیدوارم سالم بمونه

ممنونم، بانو الیزه امیدوارم
بازم همدیگه رو ببینیم

همچنین دوشس



لیز کجا بودی؟ کلی دنبالت گشتم

اوه... فقط داشتم استراحت
میکردم، ببخشید کریس!

الان حالت بهتره؟

آره یکمی

سخنرانی پادشاه کم کم شروع میشه
پس یکم دیگه صبر کن

بله، پدر

بعد از این بلا فره می تونم
برم فونه واقعا نباید درس بفونم
باید مستقیم برم تو تفت فواب

پادشاه وارد میشوند!



امیدوارم همه ی کسانی
که اینجا حضور دارند مورد
عنایت و لطف خداوند قرار بگیرند

می خوام سخنرانی رو با دعایی به
درگاه خداوند شروع کنم



ᄒᄒᄒᄒᄒᄒ ᄒᄒᄒ
ᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒ ᄒᄒᄒ
ᄒᄒ ᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒ

ᄒᄒᄒᄒᄒ
ᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒ
ᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒᄒ



تقریباً تمومه فقط یکمه دیکه

این تمام حرف هام بود

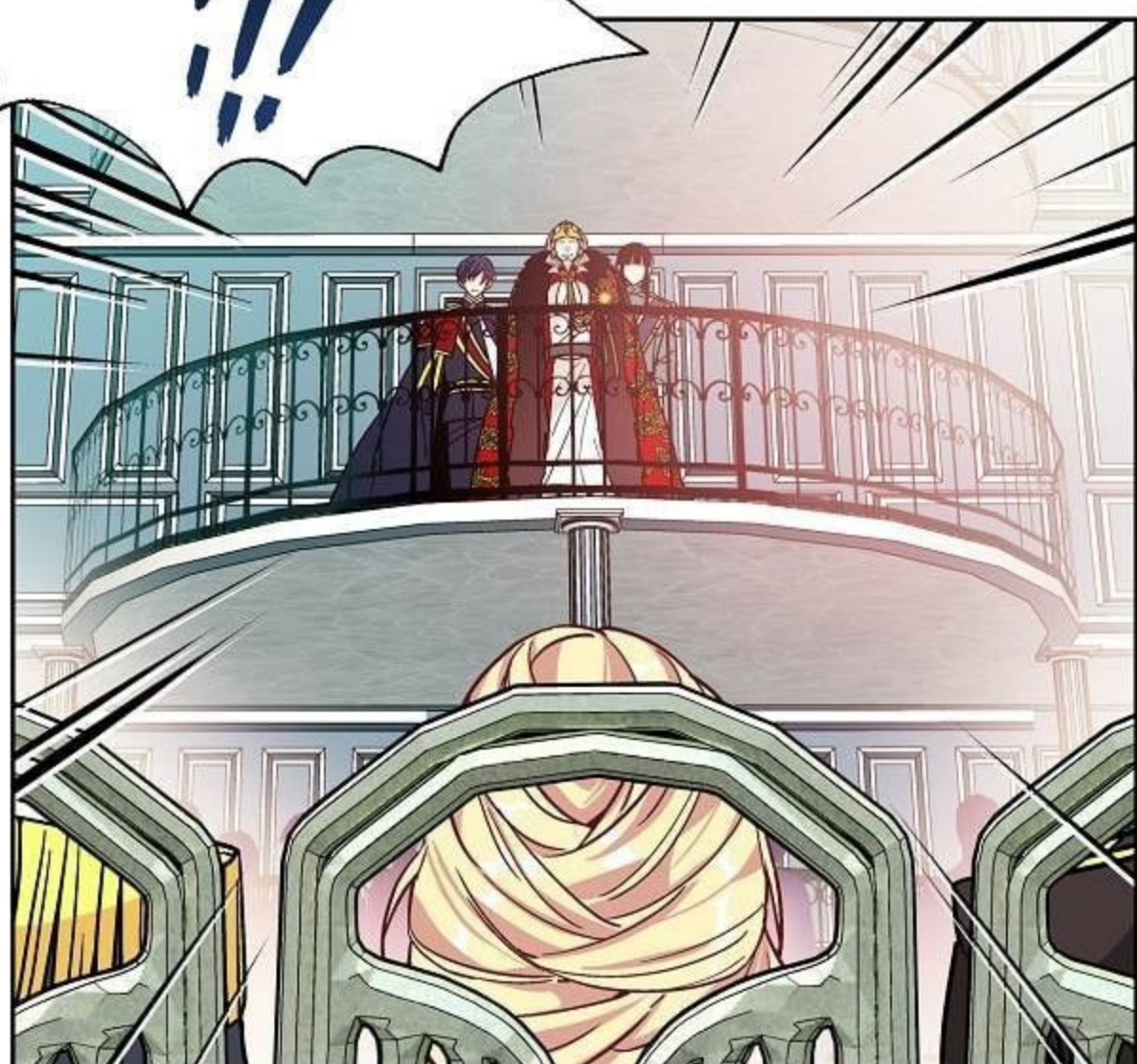


همچنین برای امروز یک خبر دارم

این خبر درباره نامزد پرنس
لینکن درومانوف هستش

اما فقط به چیزی هست که موقع اعلام این خبر
بهش فکر نکرده بودم

بانوی جوانی که به عنوان
نامزد پرنس انتخاب شده
هنوز بالغ نشده



اون داره درمورد کس دیگه ای حرف میزنه؟
اون قول داده بود...



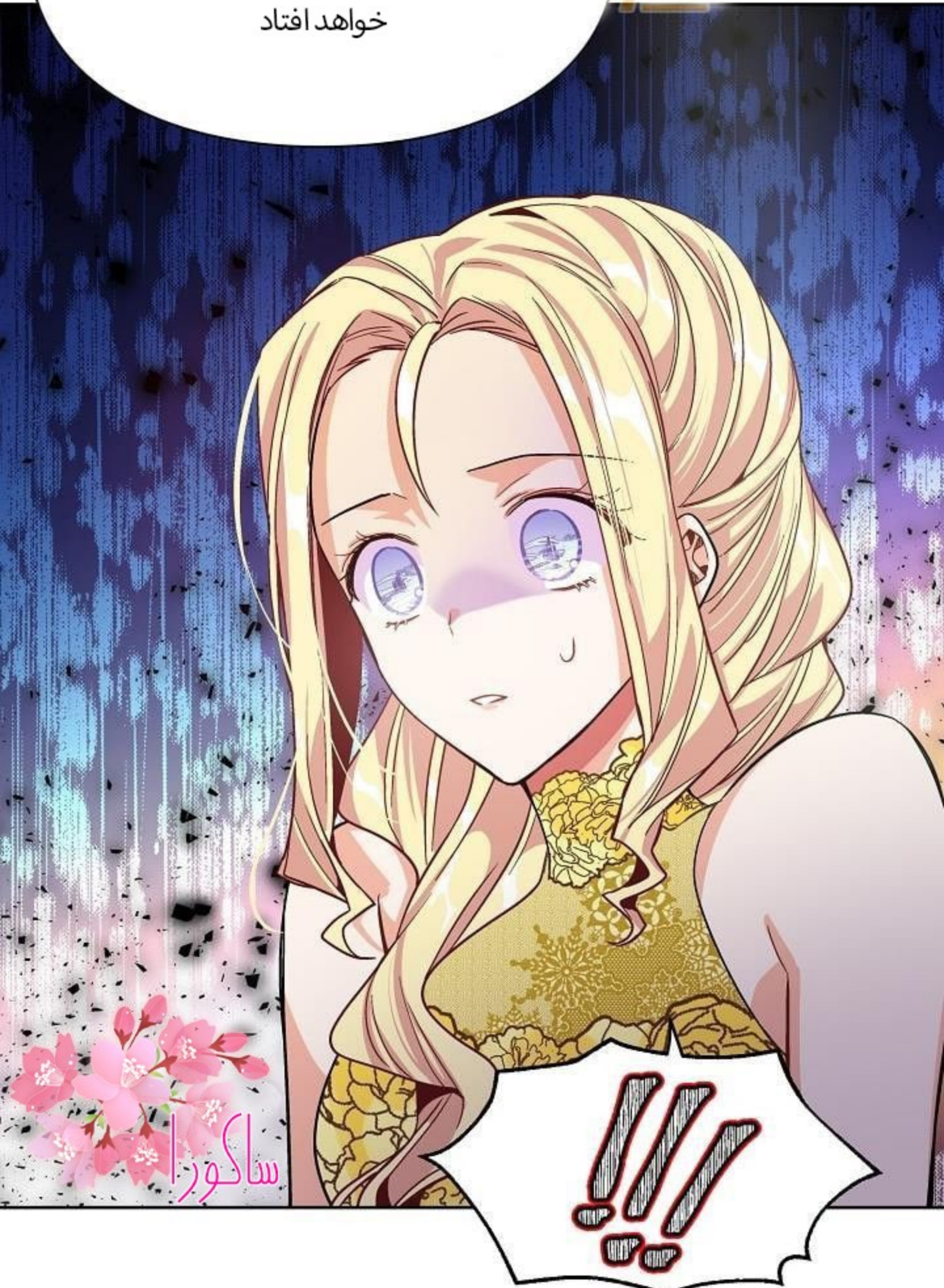
قبل از جشن تولد، من هیچ مشکلی
با اعلام نامزدی نداشتم به هرحال
من الان به قول شخصی به این
بانوی جوان دادم



من اعلام این خبر رو تا بعد از
این جشن تولد به تعویق می اندازم



تا زمانی که بانوی جوان از خانواده رولند
به سن مناسب برسه اعلامش به تاخیر
خواهد افتاد





امکان نداره! چطور ممکنه؟!



پادشاه گفت خبر رو تا زمانی
که به سن قانونی برسم به
تعویق میندازه

با این حال اون دقیقاً مخالف
شرط بندی ما نبود ولی در اصل دره
به همه میگه که من نامزد
شاهزاده هستم!

و حالا...

امیدوارم همه شما از بقیه ی
جشن لذت ببرید

کاری از تیم ترجمه ساکورا



ساکورا